

## معرفی کتاب

نام کتاب: جاذبه و دافعه علی  
نویسنده: استاد شهید مطهری  
انتشارات صدرا

## رمز جاذبه علی

سبب دوستی و محبت علی در دلها چیست ؟

رمز محبت را هنوز کسی کشف نکرده است، یعنی نمی توان آنرا فرمول کرد و گفت اگر چنین شد چنان می شود و اگر چنان شد چنین، ولی البته رمزی دارد. چیزی در محبوب است که برای محب از نظر زیبایی خیره کننده است و او را به سوی خود می کشد. جاذبه و محبت در درجات بالا عشق نامیده می شود. علی محبوب دل ها و معشوق انسانهاست. چرا ؟ و در چه جهت ؟ فوق العادگی علی در چیست که عشق ها را برانگیخته و دلها را به خود شیفته ساخته و رنگ حیات جاودانی گرفته است و برای همیشه زنده است ؟ چرا دلها همه خود را با او آشنا می بینند و اصلاً او را مرده احساس نمی کنند بلکه زنده می یابند ؟ مسلماً ملاک دوستی او جسم او نیست زیرا جسم او اکنون در بین ما نیست و ما آن را احساس نکرده ایم. و باز محبت علی از نوع قهرماندوستی که در همه ملت ها وجود دارد نیست. هم اشتباه است که بگوییم محبت علی از راه محبت فضیلت های اخلاقی و انسانی است، و حب علی حب انسانیت است. درست است علی مظهر انسان کامل بود و درست است که انسان نمونه های عالی انسانیت را دوست می دارد اما اگر علی همه این فضائل انسانی را که داشت می داشت؛ ان حکمت و آن علم، آن فداکاری ها و از خود گذشتگی ها، آن تواضع و فروتنی، آن ادب آن مهربانی و عطوفت، آن انسان، آن ایثار، آن شجاعت، آن مروت و مردانگی نسبت به دشمن، و به قول مولوی:

در شجاعت شیر ربانیستی

در مروت خود که داند کیستی ؟

آن سخا و جود و کرم اگر علی همه اینها را که داشت می داشت اما رنگ الهی نمیداشت، مسلماً این قدر که امروز عاطفه انگیز و محبت خیز است نبود. علی از آن نظر محبوب است ست که پیوند الهی دارد. دل های ما به طور ناخود آگاه در اعماق خویش با حق سر و سر و پیوستگی دارد، و و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می یابند به او عشق می ورزند.



در حقیقت پشتوانه عشق علی، پیوند جان ها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرت ها نهاده شده و چون فطرت ها جاودانی است مهر علی نیز جاودان است. نقطه های روشن در وجود علی بسیار است اما آنچه برای همیشه او را درخشنده و تابان قرار داده است ایمان و اخلاص اوست و آن است که به وی جذبه الهی داده است. سوده همدانی بانوی فداکار و دلباخته علی در در مقابل معاویه بر علی درود فرستاد و در وصفش گفت :

قبر فاصیح غیه العدل مدفونا  
فصار بالحق و الایمان مقرونا

صلی الاله علی روح تضمنها  
قد حالف الحق لا یبغی به بدلا

(درود خداوند بر روانی باد که او او را خاک خبر گرفت و عدل نیز با وی مدفون گشت)  
(با حق پیمان بسته بود که به به جای آن بدلی نگزیند، پست با حق و با ایمان مقرون گشته بود)